

نوشته : سهیلا شاهکار
تحقیق زیر نظر دکتر ابوالفضل قاضی

بحثی درباره شرکتهای تعاونی روستائی در ایران

پیشگفتار

« دریک کشور در حال توسعه اگر کشاورزی را فقط از زاویه میزان تولید یا برداشت محصول در هر هکتار مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم این ضابطه به تنهایی برای درک حقیقت امر کافی بنظر نمیرسد بلکه برای نقد واقعی ارزش وضع موجود که اهمیت آن کمتر نیست ، مطالعه روابط اجتماعی مستقر و بنابراین مطالعه اصل رژیم کشاورزی ضروری بنظر میرسد . »

« درجه رهائی روابط اجتماعی از قیود رایج ، نشان دهنده جنبه دیگر موثر مراحل پیشرفت وسائل فنی مولد است » .¹

بنابراین ، در کشاورزی بیش از هر بخش اقتصادی دیگر ، مسائل فنی و تأسیساتی از یکدیگر قابل تجزیه و تفکیک نیستند . با وجود این در مطالعه موضوع کشاورزی در ایران و بمنظور روشن نمودن امر ، جنبه های اقتصادی و اجتماعی آنرا جدا گانه مورد بحث قرار میدهم :

از نظر اقتصادی تبدیل و تغییر استخوان بندی کشاورزی شامل دو هدف

میشود :

یکی بهبود وضع و موقعیت کشاورز و دیگری توسعه نیروهای مولد کشاورزی

1- M. Falkowski : «Les Problèmes de la Croissance du Tiers - Monde»
Payot 1968

بمنظور نیل باین هدف‌ها واضح و روشن بود که تنها از بین بردن مالکیت های بزرگ و درهم‌شکستن رژیم ارباب و رعیتی کافی نیست بلکه در عین حال که اسناد مالکیت زمین بکشاورزانیکه در آن کار میکردند، داده میشد برای تحقق اصلاحات و استقرار رژیم نوین لازم بود که وسائل مقابله با مسئولیتها و مشکلات تازه نیز در اختیار کشاورز گذاشته شود.

در طول قرن‌ها دهقان ایرانی باطاعت کورکورانه و انقیاد بدستورات و اوامر ارباب عادت کرده بود - فقر و مسکنت و ذلت خود را خواسته‌قضا و قدرمی دانست بیک اعتبار، و دور از هرگونه رابطه‌ای با مقررات مدنی، در جهل و بیسوادی نویدانه میزیست. نه تنها ابتکاری نداشت بلکه نمیتوانست هم داشته باشد. به گفته هانری ماندرس و تاورنیه « درحقیقت این نوع زندگی بردگی جزئی از وجود جامعه روستائی شده بود که کشاورز بحوی زندگانی خود را با آن تطبیق میداد»^۱ منظور از وسائلی که در بالا بان اشاره شد وسائل قانونی - مالی و فرهنگی برای عملی شدن منظور واقعی اصلاحات ارضی است. رویه بیشتر ممالک مبتکر انقلاب کشاورزی که زمین را بین زارعین تقسیم کرده‌اند همان ایجاد شرکتهای تعاونی روستائی است و با توجه بهمین رویه است که تبصره ۱۶ قانون اصلاحات ارضی ایران مصوب ۱۳۴ نیز اولین شرط بدست آوردن زمین را عضویت شرکت تعاونی ده‌میداند و تبصره ۱ ماده ۱۹ اضافه میکند:

«اگر زارعینی که زمین بانها واگذار میشود نتوانند طبق برنامه شرکت تعاونی در امور تولیدی و عمرانی شرکت نموده و وظایف مربوطه را انجام دهند بتشخیص شرکت تعاونی از شرکت اخراج و طبق ماده ۲۷ زمین آنها بوزارت کشاورزی جهت واگذاری بدیگری منتقل خواهد گردید.

۱- H. MENDRAS et Y. TAVERNIER: «Terre, Paysans et Politique» Futuribles 1969.

وضع کشاورزی ایران قبل از اصلاحات ارضی^۱

پیش از ورود در بحث شرکت‌های تعاونی روستائی مذکور در قانون اصلاحات ارضی، مختصراً بذکر رژیم کشاورزی در ایران قبل از وضع این قانون اشاره مینمایم زمینهای قابل زراعت قبل از اصلاحات ارضی بسه دسته تقسیم میشدند.

۱ - زمینهای دولتی - این زمینها طبق همان شرایط و مقررات زمینهای متعلق به مالکین خصوصی و به عنوان خالصه اداره میشد.

۲ - املاک موقوفه که در واقع میتوان آنرا مالکیت مختلط نامید چه این زمینها زیر نظر دولت و بوسیله افراد زراعت میشد.

۳ - املاک خصوصی که یکی از چهار طریق زیر اداره میشدند:

الف - زارع شخصاً مالک زمینهای زراعتی بود. این نوع مالکیت قبل از اصلاحات ارضی بسیار نادر بود (در حدود ۰.۵٪ زمینهای زراعتی).

ب - خرده مالکان: این نوع صاحبان اراضی مالک زمینهای بوسعت کمتر از ۴ دانگ یا یک ملک بوده کشاورزان دیگر در آن زراعت میکردند.

ج - مالکین متوسط - دارای یک ده شش دانگی بودند.

د - مالکین بزرگ که دارای املاک متعددی بودند.

در حالیکه این سه دسته اخیر تقریباً ۰.۸٪ زمینهای قابل کشت کشور را در اختیار داشتند بیش از ۰.۵٪ از کل زمینهای قابل کشت متعلق به ملاکین بزرگ بود.

بدون اینکه وارد جزئیات هریک از طبقات مهم مالکیت بشویم کافست بدین نکته اشاره کنیم که قطع نظر از اینکه مالک دولت - اوقاف - یا شخص باشد، روابط زارعی که روی زمین کار میکرد با مالک همیشه یکنواخت بود.

از زمانهای دور روابط بین مالک و زارع بر مبنای توافق بر تقسیم مستقر بوده

۱- K. SANDJABI : «Essai Sur L'Economie Rurale et le Regime Agraire de la Perse» 1934

Miss Lambton; «Persian Land Reform» Oxford 1969

است (بندرت زارع اجاره دار میشود) .

حقوق اسلام رابطه مالک و زارع را تحت عنوان عقد مزارعه تنظیم نموده و قانون مدنی ایران در مواد ۵۱۸ تا ۵۴۲ این رابطه را تشریح کرده است .
طبق ماده ۵۱۸ قانون مدنی مزارعه عقدیست که بموجب آن (۱) احد طرفین زمینی را برای مدت معینی (۲) بطرف دیگر میدهد که آنرا زراعت کرده و حاصل را تقسیم کنند (این همان تعریفی است که در قانون فرانسه بعنوان «Metayage» ذکر شده است) .

در این میان منظور از (احد طرفین) مالک است و طرف دیگر (زارع است که یک قطعه زمین برای زراعت به او واگذار شده . در عرف کشاورزی زمین را نسق و زارع را نسق دار میگفتند .

در مزارعه ۵ عامل زیر منظور میگردد :

۱ - زمین ۲ - آب ۳ - بذر ۴ - حیوانات زراعی ۵ - کار .

تقسیم محصول بین مالک و نسق دار براساس نسبت دارا بودن هر یک از این پنج عامل انجام میگرفت در عین حال عوامل دیگری از قبیل نوع زمین - نوع محصول - دیمی یا آبی بودن زراعت و بالاخره شرایط منطقه ای نیز در این تقسیم مؤثر بوده است .

ذکر چند نکته در اینجا لازم است :

۱ - اغلب مالکین بزرگ در این توافق شرکت نداشته و مباشر بنمایندگی آنان با زارع توافق مینمود .

۲ - استفاده از نسق تقریباً بصورت یک ارث از پدر به پسر منتقل میگردد و هر مالکی نسق داران خاصی داشت . و کم اتفاق می افتاد که مالک نسق داری را از خارج انتخاب کند .

۳ - برای آنکه نسق دار ادعای ایجاد حق مکتسبه ای بر زمینی که روی آن کار

میکرد ، نکند اغلب مالک ، محل زارع را در زمینهای خود عوض میکرد .

زارع موظف بود از سهم خود مقادیری به کدخدا - دشتیان - میراب - حمای
و غیره بپردازد.

در بعضی از مناطق من جمله در شرق کشور بعضی از صاحبان حرف از قبیل
نجر - آهنگر و غیره نیز حصه‌ای از سهم زارع وصول میکردند.

پس از وضع سهمیه کلیه این اشخاص آنچه برای زارع باقی میماند حتی برای
معاش یکساله او کافی نبود و ناگزیر بتربیت دام و گلّه داری میپرداخت اهمیت -
این دامداری هم برحسب شرایط آب و هوا در نقاط مختلف کشور فرق میکرد.

این یک یادآوری اجمالی از وضع کشاورزی ایران قبل از تدوین اصلاحات
ارضی بود که بشرح جزئیات آن نمیپردازیم^۱ زیرا بحث اصلی شرکتهای تعاونی است
از ایجاد این شرکتها در کشور ما مدت زیادی نمیگذرد ولی این نکته قابل توجه
است که مدتها قبل از آنکه شرکتهای تعاونی بصورت قانونی در کشور ما شناخته
شود و مواد و تبصرهها حاکم بر آن باشند میل فطری خود یاری که زائیده احتیاجات
مختلف روستا نشینان بیکدیگر بود. آنانرا بدون اینکه تابع رابطه و نظام معینی باشند به
سوی یکنوع همکاری و همدردی سوق میداد - کمکها و مساعدتهائی که روستا
نشینان در عروسی و عزا - آتش سوزی و نظایر آن بیکدیگر مینمودند و حتی مالک
نیز بنوبه خود در مواردی بآنان میپیوست نمونه‌ای از وجود روح تعاون و همکاری
بوده است و مقنن با استفاده از این روح تعاون و اشتراک مساعی شرکتهای تعاونی
روستائی را پایه‌گذاری نموده است.

اکنون بشرح مختصری درباره تاریخچه ایجاد این شرکتها در ایران می‌پردازیم

۱- برای اطلاع بیشتر در باره وضع کشاورزی در ایران بکتابهای زیر رجوع شود.
خانم لمبتون. زارع و مالک در ایران - رساله آقای کریم سنجابی ۱۹۳۴ - رساله آقای
حسین ملک ۱۹۳۶.

تاریخچه شرکتهای تعاونی روستائی

سالها قبل از اصلاحات ارضی و حتی قبل از قانون ۱۳۳۴ نخستین شرکت تعاونی روستائی در سال ۱۳۳۱ در گرمسار تشکیل گردید ولی نتوانست در زمینه وظایف خود توفیقی بدست آورد بقسمی که در سال ۱۳۴۰ در سراسر کشور بیش از ۳ شرکت تعاونی با سرمایه هائی ناچیز و با تعداد اعضائی غیر قابل توجه وجود نداشتند - رقم شرکتهای تعاونی روستائی در سال ۱۳۲۹ به ۲۳ شرکت رسید و در سال ۱۳۳۱ بانک کشاورزی ایران اولین صندوق تعاونی روستائی را تشکیل داد - در سال ۱۳۳۳ تعداد شرکتهای و صندوقهای تعاونی به ۷۰ رسید و در سال ۱۳۳۶ رقم شرکتهای و صندوقهای تعاونی از ۱۰۰ تجاوز نمود در سال ۱۳۳۷ بنگاه خالصجات ۳ شرکت تعاونی اعتبار و ۵ شرکت تعاونی مصرف در نقاط مختلف کشور تشکیل داد و در آن زمان تعداد شرکتهای تعاونی روستائی بالغ بر ۱۷۰ بود .

تعداد این شرکتهای سال بسال رو به تزاید میرفت بقسمی که در سال ۱۳۴۱ رقم آنها به ۱۳۷۳ با سرمایه ای بالغ بر ۲۵ میلیون ریال و اعضائی بالغ بر ۴۰۴ هزار نفر رسید .

با اجرای قانون اصلاحات ارضی و ایجاد سازمان مرکزی تعاونی روستائی در سال ۱۳۴۳ که منظور نهائی آن پیشرفت و گسترش شرکت های تعاونی بود تعداد این شرکت ها خیلی زیاد شد و طبق گزارش وزارت اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۸ تعداد شرکتهای تعاونی برقم ۸۶۱۳ رسید که ۱۳۱۵۳۰ خانوار زارع عضویت آنها داشته و ۲۳۶۹۷ ده از دهات کشور در حوزه عمل شرکتهای تعاونی روستائی قرار گرفته بودند .

* در تنظیم این تاریخچه از نشریه « راهنما برای تشکیل و ثبت شرکتهای تعاونی روستائی » که بقلم آقای هدایت الله جاوید نوشته شده استفاده شده است . بدینوسیله از ایشان سپاسگزاریم .

فصل اول

مبانی قانونی شرکتهای تعاونی روستائی

ماده ۵۷۱ قانون مدنی شرکت را چنین تعریف میکند:

« شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکینی متعدد در شیئی واحد بنحو اشاعه » و مواد ۵۷۲ بعد چگونگی ایجاد یک شرکت مدنی و تقسیم منافع و طرز اداره کردن آنرا شرح میدهد که قطع نظر از تعریف شرکت بمعنای کلمه بقیه مطالب مورد نظر ما نیست .

اما از نظر بازرگانی همان تعریف مختصر هم که در قانون مدنی از شرکت شده در قانون تجارت بعمل نیامده و ماده ۲ قانون تجارت ما انواع شرکتهای تجاری را ذکر میکند بدون آنکه شرکت تجاری را تعریف کند. البته در تعیین انواع هفت گانه شرکتهای تجاری تعریفی از هر یک از آنها شده و خصوصیات ذکر میشود که با توجه به هدف و شخصیت حقوقی و افتراق آن با مجامع دیگری که از ۲ نفر بالا تشکیل میشوند میتوان شرکت تجاری را چنین تعریف کرد «شرکت تجاری اجتماعی از دو شخص یا بیشتر است که با سرمایه گذاری و انجام تعهدات و وظایفی طبق مقررات معین فعالیت مینمایند تا سود مادی برای خود تحصیل نمایند » - این شرکتها بموجب ماده ۵۸۳ قانون تجارت دارای « شخصیت حقوقی » میباشد . هفتمین و آخرین شرکت تجاری که در ماده ۲ ذکر میشود «شرکت تعاونی تولید و مصرف » است که قبل از ورود به بحث این مقاله توضیحات مختصری راجع باین نوع شرکت داده میشود .

با وجود آنکه شرکت تعاونی در ردیف سایر شرکتهای تجاری نامبرده شده ولی چون هدف شرکتهای تجاری صرفاً سود جوئی و بهره برداری شخصی و انحصاری شرکاء به نسبت سهام و سرمایه ای است که بکار انداخته اند و همچنین با در نظر گرفتن مواد ۱۹۰ تا ۱۹۴ قانون تجارت که از شرکت تعاونی بحث میکند ملاحظه میکنیم که با سایر شرکتهای اختلافات اصولی و اساسی قابل توجهی دارد :

در شرکتهای تجاری نقش اصلی را سرمایه ایفا میکند و منافع بنسبت حصه و سهام شرکاء تقسیم میگردد و حال آنکه در شرکت های تعاونی « هدف » رفع نیازمندیهای مشترک اعضا است و سود جوئی شخصی و انتفاع خصوصی که سنگ اصلی بنای شرکت های تجاری است با آن قاطعیت دیده نمیشود و در واقع هدف و منظور در سطحی بالاتر از استفاده جوئی فردی بوده و بیشتر جنبه اجتماعی و همکاری دارد همانطور که واژه « تعاون » این مطلب را میرساند .

در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تعریفی از شرکت های تعاونی تولید و مصرف میشود و ماده ۱۹۳ مقرر میدارد که « این نوع شرکت ها ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا برطبق مقررات مخصوصی که با تراخی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل شوند .

مقنن سال ۱۳۱۱ خود نیز تمایز شرکت های تعاونی را از سایر شرکت های تجاری با اختیاری که بشرکاء در تدوین اساسنامه طبق مقرراتی که با توافق و رضایت خود آنها ترتیب داده میشود بطور ضمنی قبول کرده و فقط رعایت مواد ۳۲ و ۳۴ قانون تجارت را لازم الرعایه دانسته است .

قریب ده سال از تصویب قانون تجارت گذشت و قدم مؤثری در مورد شرکت های تعاونی برداشته نشد (قطع نظر از تشکیل « صندوق تعاونی روستائی دماوند » که در سال ۱۳۱۸ بوسیله بانک کشاورزی تشکیل شد) فقط از سال ۱۳۲۰ به بعد شرکت های تعاونی مصرف کارگران کارخانه ها و کارمندان بعضی از وزارتخانه ها در تهران و پاره ای از شهرستانها تشکیل گردید که آنها هم نضج قابل ملاحظه ای نگرفت (باستثنای شرکت تعاونی مصرف افسران ارتش که در پیشرفت و توسعه مداوم بوده و هست) .

در سال های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ به ترتیب اقداماتی از قبیل تصویب نامه « صندوقهای تعاونی مالکین » و « اداره شرکت های تعاونی سازمان برنامه » و « امور شرکتهای تعاونی در وزارت کار » و فعالیت های دیگری در زمینه شرکت

های تعاونی بعمل آمد. تا آنکه در سال ۱۳۳۲ لایحه قانونی شرکتهای تعاونی تصویب رسید و در ۲۲ مرداد ماه ۱۳۳۴ قانونی ضمن ۱۱ ماده تصویب گردید که بموجب ماده ۱۱ آن کلیه قوانین و مقرراتی که با مفاد این قانون مغایرت داشت ملغی الاثر تلقی میشد.

* مواد ۱۱ گانه قانون مرداد ماه ۱۳۳۴ ذیلا از حیث اهمیت موضوع نقل میگردد بموجب ماده اول این قانون شرکت تعاونی شرکتهای است که برای مدت نامحدود بمنظور رفع احتیاجات مشترک شرکاء و بهبود وضع مادی و اجتماعی آنان برای یک یا چند موضوع تشکیل میشود.

ماده ۱ - شرکت تعاونی شرکتهای است که برای مدت نامحدود بمنظور رفع احتیاجات مشترک شرکاء و بهبود وضع مادی و اجتماعی آنان برای یک یا چند منظور ذیل تشکیل میشود.

انجام خدمات عمومی و هرگونه فعالیت مربوط بتولید محصولات کشاورزی و صنعتی تهیه و طبقه بندی - نگاهداری و تبدیل و فروش محصولات مزبور - تهیه توزیع هر نوع کالا و لوازم مورد نیاز زندگی و حرفه ای آنان - تحصیل وام و اعتبار برای شرکاء - اقدام بعملیات ساختمانی و ایجاد مسکن - بیمه محصولات و حیوانات قبولی نمایندگی مؤسسات و کارخانجات وابسته بفعالیت های مذکور در فوق - خرید سهم الشرکه شرکتهای مشابه و امثال منظورهای مذکور.

تبصره - تعداد اعضاء (شرکاء) شرکتهای تعاونی از هفت نفر نباید کمتر باشد.

ماده ۲ - تعداد شرکاء و سرمایه شرکت تعاونی متغیر و نامحدود است.

ماده ۳ - شرکتهای تعاونی باید تابع اصول ذیل باشند:

الف) عضویت شرکت تعاونی برای عموم اشخاص واجد شرایطی که در اساسنامه شرکت قید گردیده با تصویب هیئت مدیره شرکت آزاد میباشد.

ب) کلیه اعضاء شرکت دارای حقوق ووظایف مساوی میباشد .
 ج) در مجامع عمومی بدون در نظر گرفتن تعداد سهام ، هر عضو دارای یک رأی میباشد و استفاده از این حق از حقوق شخصی صاحب سهم است در مواردی که بعللی استفاده از این حق بطور مستقیم برای شریکی میسر نباشد ممکنست بموجب وکالت کتبی نیکی دیگر از شرکاء واگذار شود .

در مورد وکالت هیچ عضوی نمیتواند با احتساب رأی خود مجموعاً بیش از پنج رأی داشته باشد .

در اتحادیه های شرکتهای تعاونی نماینده هر شرکت عضو بنسبت اعضای آن شرکت حق رأی خواهد داشت .

د) استرداد سهام و پرداخت بهای آن تا حدی که موجبات وقفه در فعالیت شرکت فراهم نشود مجاز است .

ه) سهام شرکت تعاونی با نام و غیر قابل تقسیم است وبهای آن باید نقداً پرداخت شود . انتقال سهام به اشخاص غیر عضو ممنوع است .

و) بهره حق السهم شرکتهای تعاونی که در آخر هر سال بشرکاء ممکن است داده شود در اساسنامه شرکت تعیین خواهد شد .

ز) درآمد سالیانه شرکت پس از وضع هزینه ها و استهلاك ذخایر و بهره سهام به نسبت معاملاتیکه هر یک از اعضاء و مشتریان غیر عضو که در طول سال مالی با شرکت نموده اند بین آنان تقسیم خواهد شد

ح) مطالبات شرکتهای تعاونی از اعضاء جزو دیون ممتازه محسوب است .
 ماده ع - شرکتهای تعاونی باید برای جبران زیانهای احتمالی و توسعه عملیات خود بدواً قسمتی از درآمد خود را که از ۱۰ درصد کمتر نباشد بعنوان ذخیره احتیاطی در ترازنامه منظور نموده و سپس طبق مفاد بند (ز) ماده ۳ بتقسیم سود سهام اقدام نمایند .

منظور کردن این وجوه بحساب ذخیره تازمانی است که جمع آن معادل با مجموع

سرمایه شرکت در ظرف سه سال اخیر گردد. ذخیره احتیاطی شرکت بهیچوجه قابل تقسیم بین شرکاء نبوده و در صورت انحلال شرکت ذخیره احتیاطی بنا به تشخیص شورای تعاون کشور با تحدیدیه تعاونی یا مؤسسات عام المنفعه دیگر واقع در همان شهرستان یا در شهرستان مجاور واگذار خواهد شد .

ماده ۵ - شرکتهای تعاونی که طبق این قانون تشکیل و اساسنامه آنها به تصویب شورای عالی تعاون کشور میرسد از پرداخت حق الثبت و تمبر سهام و مالیات بردرآمد معاف میباشند و همچنین مبالغی که در پایان هر سال طبق بند (ز) ماده ۳ این قانون بشرکاء پرداخت میشود از مالیات معاف خواهند بود .

ماده ۶ - اتحادیه های شرکتهای تعاونی اعم از محلی یا مرکزی تابع مقررات این قانون خواهند بود .

ماده ۷ - شرکتهای تعاونی که با کمک و حمایت دستگاههای دولتی و یا شهرداری ها تشکیل میشوند مشمول مقررات این قانون خواهند بود .

ماده ۸ - وزیر کار - وزیر دارائی - وزیر کشور - وزیر کشاورزی و مدیرعامل سازمان برنامه و مدیرعامل بانک کشاورزی یا نماینده گان تام الاختیار آنها مکلفند برای حسن اجرای این قانون شورای دائمی بنام شورای تعاون کشور که دارای شخصیت حقوقی خواهد بود تشکیل دهند. سازمان و حدود وظایف شورای مذکور طبق آئین نامه ای است که بتصویب هیأت وزیران خواهد رسید .

ماده ۹ - وزارت کار و وزارت کشور - وزارت کشاورزی مامور اجرای این قانون خواهند بود .

ماده ۱۰ - آئین نامه های مربوط باین قانون را وزارت کار تهیه و بتصویب هیئت وزیران میرساند ^۱ .

ماده ۱۱ - کلیه قوانین و مقرراتی که با مفاد این قانون مغایرت دارد ملغی

است .

۱- به آئین نامه مربوطه رجوع شود .

باتوجه مختصری به مواد قانون مزبور نتایج زیر بدست میاید :

- ۱ - همانطور که قبلاً گفتیم در شرکت های تعاونی هدف صرفاً سودجوئی فردی نیست بلکه بهبود وضع مادی و اجتماعی و رفع نیازمندیهای مشترك است .
- ۲ - موضوع شرکت شامل مسائل و مقاصد متعددی است که از خدمات عمومی و اجتماعی شروع شده و به بیمه محصولات و حیوانات و اعضاء پایان مییابد .
- ۳ - شرط اساسی عضویت در شرکت دارا بودن احتیاجات مشترك است که شرکت برای رفع آن نیازمندیها فعالیت میکند .
- ۴ - میزان سرمایه گذاری عضو تأثیری در سرنوشت شرکت ندارد و یک نفر عضو صرف نظر از تعداد سهام بیش از یک رأی ندارد .
- ۵ - حقوق ووظایف اعضاء مساوی است .
- ۶ - کیفیت اداره کردن شرکت و حفظ اموال و تقسیم سود و زیان و چگونگی انحلال شرکت بموجب «قراردادی که بین شرکاء منعقد میگردد» معلوم و مشخص میشود گرچه این قرارداد در شرکت های تعاونی نیز دارای عنوان «اساسنامه» می باشد لیکن آزادی عملی که در تنظیم این قرارداد موجود است بدرجات بیشتر از اساسنامه سایر شرکت های تجارتهی است .
- ۷ - طبق ماده ۸ قانون مصوب ۱۳۴۴ یک شورای دائمی بنام «شورای تعاون کشور» که دارای شخصیت حقوقی است مرکب از وزیر کار - وزیر دارائی - وزیر کشاورزی - مدیر عامل سازمان برنامه مدیر عامل بانک کشاورزی و یا نمایندگان نامالاختیار آنها تشکیل میشود که سراقب حسن اجرای این قانون بوده و وظایف شورای مذکور ضمن آئین نامه ای بتصویب هیأت وزیران میرسد .

قوانین مربوط بشرکتهای تعاونی روستائی

- ۱ - ماده ۱ قانون ۲۲ اسرداماه ۱۳۳۴ ضمن شرح منظورهای تشکیل شرکت تعاونی متذکر میشود « انجام هرگونه فعالیت مربوط بتولید محصولات

کشاورزی و صنعتی - تهیه و طبقه‌بندی - نگاهداری و تبدیل و فروش محصولات مزبور ... تسهیل وام و اعتبار برای شرکاء ...» .

با توجه باین قسمت از هدف‌هایی که در ماده ۱ قانون تشکیل شرکتهای تعاونی بطور کلی ذکر شده ملاحظه میشود که قانون ناظر بر شرکت‌های تعاونی روستائی نیز بوده - البته قانون مزبور شرکت - تعاونی روستائی را ایجاد نموده ولی میتوان گفت پیشرو قوانین شرکتهای روستائی قانون ۱۳۳۴ است .

(قبلاً گفتیم که در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ بطور کلی از شرکت‌های تعاونی ذکر بعمل آمده است) .

ماده ۸ قانون ۱۳۳۴ که « شورای تعاون کشور » را پیش‌بینی نموده سه زمان محدود وظایف شورا را موقوف به آئین‌نامه‌ای نمود تا بتصویب هیأت وزیران برسد این آئین‌نامه به پیشنهاد مورخ ۳۴/۷/۸ وزارت کار بتصویب هیأت وزیران رسید .

ماده ۶ آئین‌نامه مزبور وظایف شورا را بیان میکند که طبق بند ۳ آن یکی از آن وظایف تهیه و انتشار اساسنامه‌های نمونه است .

شورای مزبور چند اساسنامه برای شرکت‌های تعاونی روستائی بتصویب رساند که آخرین آن مورخ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۲ می‌باشد (بعد از قانون اصلاحات ارضی) . این اساسنامه ضمن ۴ فصل و ۵۲ ماده چگونگی تأسیس - منظور - سرمایه - شرکاء و ارکان شرکت و وظایف هر یک از آنها را تشریح مینماید بموجب ماده ۱ اساسنامه مزبور ارکان شرکت عبارتند از :

مجامع عمومی

هیأت مدیره

بازرسان

الف - مجامع عمومی

مجمع یا عمومی یا عادی یا فوق‌العاده است که کلیه اعضاء در آن شرکت

مینمایند . مجمع عمومی عادی حد اقل سالی یکبار تشکیل جلسه میدهد .

موجب ماده ۱۹ اساسنامه اعضای شرکت از زارعین و سایر کسانی که بکارهای کشاورزی اشتغال دارند تشکیل میشود بشرط اینکه افراد مزبور در محدوده فعالیت آن شرکت ساکن باشند .

از این ماده چنین استنباط میشود که تمام افرادی که با کشاورزی سروکار دارند میتوانند عضویت شرکت را دارا باشند و همین رویه قبل از قانون اصلاحات ارضی معمول بوده بقسمی که زارع - خورده مالک - نسق دار و کارگروز مزد میتوانستند عضو شرکت باشند ولی پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی حتی الامکان سعی شد فقط کشاورزان صاحب زمین عضویت شرکت را دارا باشند و سایرین (خوش نشینها عملاً از آن خارج شوند - ولی این امر بصورت یکنواخت در تمام مناطق اجرا نگردید چه در پاره‌ای از مناطق (مثلاً ارسباران تبریز) تشکیل شرکت روستائی با شرکت اعضائی که قانون شامل آنها میشد یا بعلت کمبود تعداد آن افراد و یا بسبب فقر و نداری آنها عملی نبود .

در مجمع عمومی بدون در نظر گرفتن تعداد سهام هر عضو دارای یک رأی میباشد و چنانچه بعلمی استفاده از حق رأی بطور مستقیم برای شریک میسر نباشد میتواند بموجب وکالت کتبی این حق را یکی دیگر از شرکاء واگذار نماید - هیچ عضوی نمیتواند با احتساب رای خود مجموعاً بیش از ۳ رأی داشته باشد (بموجب قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۳۴ تا ۵ رأی ممکن بود که اساسنامه آنرا به ۳ تقلیل داده تا نظر یک فرد در تصمیمات مجمع عمومی تأثیر زیادی نکند) .

تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت اعضاء حاضر با در نظر گرفتن وکالت‌نامه ها اتخاذ میگردد .

وظایف مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده در مواد ۱۵ و ۱۶ اساسنامه تشریح

شده است .

ب - هیأت مدیره

اداره امور شرکت بعهدہ هیأت مدیره‌ای است که از ۳ عضو اصلی تشکیل میشود و بوسیله مجمع عمومی انتخاب و یا منفصل میشوند - مدت اختیارات هریک از اعضای هیأت مدیره ۲ سال است .

علاوه بر ۳ عضو اصلی که با کثرت آراء مجمع عمومی انتخاب میشوند ۲ عضو علی‌البدل بطرز بالا انتخاب میگرددند که درمورد فوت یا استعفاء یا انصراف از ادامه خدمت یکی از اعضای اصلی ، عضو علی‌البدل تا پایان دوره خدمت عضو اصلی بکار اشتغال خواهد داشت .

اعضای هیأت مدیره از بین خود یک رئیس و یک دبیر انتخاب میکنند. هیئت مدیره بطور اقتضای انجام وظیفه میکند . هیأت مدیره برای اجرای تصمیمات خود و تصمیمات مجمع عمومی شخص صالحی را از بین شرکاء یا از خارج بعنوان مدیر عامل انتخاب میکند - مدیر عامل مزبور ممکن است موظفاً خدمت نماید (سواد ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ اساسنامه) .

در مرحله اولیه اصلاحات ارضی شرکتهای تعاونی روستائی بوسیله کارمندان سازمان اصلاحات ارضی تشکیل میگرددید و در واقع وظایف مدیر را نیز یکی از همین کارمندان انجام میداد . (

ج - بازرسان

مجمع عمومی شرکت دو بازرس برای مدت یک سال انتخاب مینماید - طبق ماده ۳۹ اساسنامه نظارت امور شرکت که بر طبق مقررات اساسنامه و آئین‌نامه‌های مربوطه باید انجام گردد بعهدہ بازرسان است با این کیفیت بازرسان که وظایف وسیع و دقیقی دارند باید دارای اطلاعات زیادی باشند بازرسان لااقل سالی دوبار بحساب‌های شرکت رسیدگی نموده و از لحاظ انطباق عملیات با مصوبات مجمع عمومی و مقررات اساسنامه بررسی مینمایند .

هرگاه در ضمن انجام بازرسان بموضوعی برخورد نمایند که احتیاج بگزارش

فوری آن به مجمع عمومی باشد طبق ماده ۴۲ اقدام خواهند کرد (دعوت مجمع عمومی)

۲ - قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹/۱۰/۴۰

تبصره ماده ۱۶ این قانون مقرر میدارد: « بافرادی طبق مقررات این قانون زمین واگذار خواهد شد که قبلاً عضویت شرکت تعاونی همان ده را پذیرفته باشند ماده ۱۹ تبصره ۱ - « زراعتی که زمین بآنها واگذار میشود چنانچه نتوانند طبق برنامه شرکت تعاونی در امور تولیدی و عمرانی شرکت نموده و وظایف مربوطه را انجام دهند بشخص شرکت تعاونی از عضویت شرکت اخراج و در مورد اراضی که بآنها واگذار شده طبق قسمت اخیر ماده ۲۸ این قانون رفتار خواهد شد «ملک در مقابل بقیه بدهی کشاورز بوزارت کشاورزی جهت واگذاری بدیگری منتقل خواهد شد» .

ماده ۱۷ تبصره ۱ - «...مراقبت و نگاهداری و تعمیر و اصلاح کلیه این قبیل منابع (منابع آب زراعتی دهات مشمول تقسیم) بعهده شرکت تعاونی مربوطه خواهد بود» .

ماده ۳۲ - « امور مشترك کشاورزی دهات تقسیم شده از قبیل نگاهداری قنوات و انهار و استفاده از ماشین آلات عملیات دفع آفات نباتی و حیوانی و امثال آن بوسیله شرکت های تعاونی انجام خواهد شد .

این تصویب نامه مکمل تصویب نامه شماره ۹۸۶ - ۳۰/۱/۴۰ است و نحوه انتقال املاک مشاعی خریداری شده را بزارعین روشن بینماید و درباره املاک دانگی تعیین تکلیف بینماید و همچنین در مورد نگاهداری و مخارج منابع آب و قنوات و وظایف شرکتهای تعاونی در نگاهداری امور قنوات و خرج هزینه های لازم و منظور آن بحساب مالکین مستتکف مقررات لازم را دارد .

۴ - آئین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳/۵/۱۳۴۳

(مصوب کمیسیون خاص مشترك مجلسین)

ماده ۱ تبصره ۱ - « در صورتیکه شرکت تعاونی روستائی در قریه‌ای تشکیل شده باشد و زارعین شرکت مزبور برای اجاره و کالت داده باشند قرارداد اجاره با شرکت تعاونی منعقد خواهد شد و شرکت از کل رقم مال الاجاره دو درصد وصولی بعنوان کارمزد بِنفع خود برداشت خواهد نمود . »

ماده ۸ بند ۵ - « شرکت تعاونی از کل رقم مال الاجاره که وصول نماید دو درصد بعنوان کارمزد بِنفع شرکت برداشت خواهد کرد . »

ماده ۲۲ - « سازمان مرکزی تعاون روستائی ایران در اجرای مقررات اصلاحات ارضی مکلف است بتدریج برای شرکت‌های تعاونی روستائی در دهات مشمول اصلاحات ارضی و اتحادیه‌های تعاونی اقدام و شرکتها و اتحادیه‌های مزبور را سرپرستی و از نظر مالی و فنی کمک و موجبات تربیت عملی روستائیان را برای ایجاد و اداره شرکت‌های تعاونی فراهم کند . »

۵ - بند ۱ ماده ۹ لایحه قانونی تشکیل انجمن‌های ده که در شرح وظایف انجمن ده مقرر میدارد : همکاری نزدیک و مؤثر با هیأت مدیره شرکت تعاونی ده برای وظایفی که بعهده دارد .

۶ - بند ب ماده ۱ اصلاحی قانون فروش خالصجات - بقیه وجوه بانک اعتبارات کشاورزی واگذار میشود که بر طبق اساسنامه بانک مزبور برای تأسیس شرکت‌های تعاونی در دهات خالصه مورد استفاده قرار گرفته میشود .

۷ - باستناد ماده ۳ قانون تشکیل وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی « سازمان مرکز تعاون روستائی ایران » بوزرات اصلاحات ارضی و تعاون روستائی منتقل و مقرر گردید تا تصویب اساس نامه آن از نظر مالی کماکان بر اساس مقررات مؤسسات بازرگانی و انتفاعی وابسته بدولت اداره شود این اساس نامه در فروردین ماه ۱۳۴۷ در ۲ ماده و چند تبصره به تصویب رسید و بموجب ماده ۱ اساسنامه مزبور سازمان بصورت شرکت سهامی درآمد . با توجه بقوانین مربوط به مرحله دوم اصلاحات ارضی ضرورت این سازمان و استقلال آن بیشتر احساس میشود .

هدفهای سازمان در ماده ۳ بیان گردیده که اهم آن « تأمین وسایل پیشرفت و توسعه و تقویت تعاون در روستاها است » و برای نیل باین مقاصد وظایف سازمان را شرح میدهد (آموزش اصول تعاون - روش اداره شرکتهای و اتحادیه های تعاونی روستائی - توسعه شبکه تعاونی در روستاها - کمک اعتباری به شرکتهای و اتحادیه های تعاونی - ایجاد ارتباط با سازمانهای بین المللی تعاونی - دفاع از منافع صنفی اتحادیه ها و غیره)^۱ .

سرمایه اولیه سازمان یک میلیارد و هفتاد و سه میلیون و نهصد و نود هزار ریال تعیین گردید که یکصد و هفت هزار و سیصد و نود و نه سهم ده هزار ریالی تقسیم و تماماً پرداخت شد و در نظر گرفته شد که با تصویب مجمع عمومی عادی ممکن است میزان سرمایه اضافه گردد .

وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی میتواند هر قدر از سهام متعلق بخود را که مقتضی بداند در معرض فروش بگذارد و اتحادیه های تعاونی میتوانند به ترتیبی که وزارت اصلاحات ارضی اعلام مینماید سهام مذکور را اکتیفا نمایند - سهام - سازمان را اتحادیه های تعاونی روستائی و همچنین وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی میتوانند خریداری نمایند . ارکان سازمان شبیه به شرکتهای تعاونی است و از مجمع عمومی - شورا - هیئت مدیره و بازرسان تشکیل میشود که وظایف و اختیارات هر یک از آنها در اساسنامه ذکر شده است .

بالاخره در ماده ۵۲ اساسنامه آمده است که « مواردی که در اساسنامه حاضر صراحتاً پیش بینی نشده براساس مقررات قانون تجارت خواهد بود . »

نتیجه گیری از فصل اول

آیا شرکت تعاونی روستائی واقعاً یک شرکت تجاری است یا نه ؟
این مطلب را تا اندازه ای در شروع فصل اول بحث کردیم بدون آنکه از آن نتیجه ای بگیریم بلکه فقط بذکر این مطلب قناعت نمودیم که شرکت تعاونی با

سایر شرکتهای تجاری اختلافات اصولی و اساسی قابل توجهی دارد - میداتیم که کلیه شرکتهای تجارتی باستناد ماده ۵۸۳ دارای شخصیت حقوقی است و شرکت تعاونی نیز دارای این شخصیت است و تاریخ تحقق این شخصیت حقوقی مانند سایر شرکتهای تجارتی با توجه به مواد ۳۶ و ۴۷ و ماده ۱۹۳ قانون ضمن بخشنامه‌ای از طرف مدیرکل ثبت در تاریخ ۲۶/۶/۴۲ به اداره ثبت شهرستانها ابلاغ گردید. ولی معذالک میتوان گفت که شرکت تعاونی روستائی کاملاً یک شرکت تجارتی نمیتواند باشد چه قطع نظر از هدف‌های آن در بعضی مواد منجمله بند ۸ ماده ۸ آئین‌نامه اصلاحی ۱۳۴۳ که مطالبه و دریافت مال الاجاره از زراعین و پرداخت آن به متولی یا متصدی موقوفه را بعهده شرکتهای تعاونی مربوطه گذاشته اضافه میکند. « در موارد لزوم متولی و متصدی موقوفه میتواند با تقاضای صدور و تعقیب اجرائیه نسبت بدریافت مال الاجاره اقدام نماید » حق تقاضای صدور اجرائیه بآن داده نشده و بطور نتیجه میتوان گفت که شرکت تعاونی روستائی یک نوع شرکت مخصوص است.

تذکره از آنچه راجع بمبانی قانونی ذکر شد چنین استنباط میشود که مواد و تبصره‌ها و تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌هایی را گرد هم آوریم و بصورت مبانی قانونی حتی بدون توجه بتقدم و تأخر آنها را ذکر نموده‌ایم و شاید این نقص از نگارنده این مقاله باشد و حتی ممکن است پاره‌ای از مبانی قانونی را از قلم انداخته باشد ولی تمامی آن متوجه نویسنده نمیتواند باشد چه واقعاً در هر وقت که مطلبی بنظر رسید بضرورت زمان بصورت تبصره یا آئین‌نامه یا تصمیماتی از طرف شورای تعاون روستائی کشور اتخاذ گردیده که در حال حاضر بدون و مرتب نیست و همین امر باعث پراکندگی مطلب گشت امیدواریم که لایحه قانونی که هم‌اکنون در قوه مقننه مورد رسیدگی است باین پراکندگی‌ها نظم و ترتیبی بدهد.